

فصل‌نامه تحقیقات زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
دوره دوم - شماره یک، تابستان ۱۳۸۹
از صفحه ۱۷۹ تا ۱۸۶

بررسی و مطالعه هم‌ریشه‌ای‌های غلط

بین واژگان فارسی و انگلیسی*

دکتر ایرج نوروزی*

استادیار آموزش زبان انگلیسی

دانشگاه آزاد اسلامی ورامین - پیشوا

چکیده

این مقاله به بررسی و مطالعه واژگانی که به اصطلاح هم‌ریشه‌ای‌های غلط یا گاهی به نام دغل دوستان در بین زبان‌های اروپایی مرسوم است بین فارسی و انگلیسی می‌پردازد. از آن جایی که در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی چنین پژوهشی تاکنون کم‌تر صورت گرفته است، سعی ما بر این خواهد بود که اجمالاً معنای این واژه (term) را که یکی از مفاهیم زبان‌شناسی (concept) می‌باشد تا حد لازم به مخاطبین خود که شنونده یا خواننده این مقاله هستند با در نظر گرفتن پژوهش‌هایی که در میان سایر زبان‌ها انجام شده، معرفی نمائیم. سپس به مشکلاتی که در هنگام ترجمه بین زبان‌های فارسی و انگلیسی پدید می‌آید، اشاره نمائیم. هم‌ریشه‌ای‌های غلط، معمولاً به واژگانی بین دو زبان اطلاق می‌گردد که از نظر هویت ظاهری، کمابیش یا کاملاً یکسان و تا حدودی از نظر هویت معنایی یا کاملاً متفاوت باشند. این‌جاست که گاهی مترجم، این ویژگی‌ها را از یک‌دیگر تمیز نداده و در هنگام ترجمه زبان مبدأ به سوی زبان مقصد از معنا دور می‌شود، در حالی که معناشناسی، رکن اصلی درک زبان تلقی می‌گردد.

کلمه‌های کلیدی: آموزش، ترجمه، زبان، واژگان، هم‌ریشه‌ای‌های غلط ۶- هویت ظاهری

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱

** پست الکترونیکی iraj-Noroozi@yahoo.com

۱- معرفی

تحقیق در باب هم ریشه‌ای‌های غلط در میان زبان‌های اروپایی، بسیار اندک و ناچیز بوده، چه رسد به زبان فارسی که هیچ بررسی و مطالعه‌ای در مورد آن با زبان‌های اروپا تا جایی که آگاهییم صورت نگرفته است. در انگلیسی با false cognates یا deceptive cognates در حالی که در فرانسه با faux amis و نیز در آلمانی با falsche Freunde و در اسپانیایی با falsos amigos و در روسی با ложные друзья (لاژنیه دزیا) و در چینی با 假朋友 (جیافریو) و در ژاپنی با 偽朋友 (گیهیو) و در کره‌ای با 假朋友 (جیافریو) و در عربی با كذبة لغوية (کذبه لغویه) و در فارسی با هم‌ریشه‌های غلط و یا دغل دوستان برابرایی می‌شود. معانی گوناگونی در مورد این واژه‌ها از نقطه‌نظرهای زبان‌شناسی در فرهنگ لغت‌ها و نیز در مقالاتی که تاکنون نگاشته شده به نظر می‌رسد که اکثراً بر این نکته تکیه دارند که «هم ریشه‌های غلط دو کلمه یا دو اصطلاح شبیه، یا یکسان از نظر شکل ظاهری بوده که در معنا با هم متفاوتند». اگر بخواهیم این تعریف را کامل‌تر کنیم، می‌توان بیان داشت: هم‌ریشه‌های غلط به دو واژه که از نظر هویت ظاهری، کمابیش یا کاملاً یکسان اما از نظر هویت معنایی تا حدودی، یا کاملاً متفاوت می‌باشند، گفته می‌شود. برای مثال می‌توان به کلمه آپارتمان در زبان فارسی اشاره نمود که از زبان انگلیسی، قرض گرفته شده و از هویت معنایی خود، دور شده و بسیاری از فارسی‌زبانان اما نه همه، آن را در معنای ساختمان یا در واقع آن چه که building می‌گویند به کار می‌گیرند. در مقابل کلمه‌ی apartment را در مفهوم واحد به کار می‌برند. جالب است که بدانیم فارسی‌زبانان در مکالمات تلفنی خود، به جای به کار بردن کلمه صحیح م سچ یعنی message با اندکی تغییر آوایی آن را به صورت م سچ یعنی massage به کار گرفته که باز هم معنای هریک از این دو از یک دیگر متفاوت است.

جالب‌تر این که حتی برخی در فارسی فکر می‌کنند در واژه **sim card** لابد سیم وجود دارد. این نکته هنگامی پیش می‌آید که مخاطب اصرار دارد که در تلفن‌های همراه، هویت آوایی سیم باید معنا شود، در حالی که باید به هویت **sim** که علامت اختصاری سه کلمه‌ی **Subscriber Identity Module** است با ظرافت خاصی توجه شود. حالا که دیگر گوشی به دست مخاطب ماست و تا حدودی معانی روشن شده بهتر است به مثال‌های دیگری در زیر دقت کنیم:

- **loot** - واژه **loot** در فارسی به معنای طعام و یا طعمه می‌باشد، در حالی که کلمه هم ریشه آن در انگلیسی یعنی **loot** به معنی غنایم جنگی می باشد.
- **race** - واژه **race** در فارسی به معنای خرامیدن، در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی **race** به معنای سریع رفتن می باشد.
- **tar** - واژه **tar** در فارسی به معنای تیره و تاریک، اما کلمه هم ریشه آن یعنی **tar** به معنای قیر می باشد.
- **paradise** - واژه **paradise** در فارسی به معنای باغ و بستان ولی کلمه هم ریشه آن یعنی **paradise** به معنای بهشت می باشد.
- **ponder** - واژه **ponder** در فارسی به معنای اندیشه و گمان، در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی **ponder** به معنای بررسی دقیق می باشد.
- **lot** - واژه **lot** در فارسی به معنای آدم فقیر و درمجاوره به معنای آدم بی ارزش و گاهی قانون شکن می باشد در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی **lot** به معنای گروهی از مردم عادی می باشد.
- **looty** - واژه **looty** در فارسی به معنای جوانمرد و باغیرت در مورد اموال و اطرافیان خود می باشد در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی **looty** در محاوره به معنای غنایم جنگی می باشد.

- قندی و candy - کلمه قند از فارسی به انگلیسی رفته، اما آوایی متفاوت یافته؛ برابر انگلیسی آن در فارسی به معنای آب‌نبات می‌باشد.
- بد و bad - واژه بد در فارسی به معنای ناشایست، در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی bad در محاوره، گاهی اوقات به معنای خوب و مطلوب می‌باشد
- بار و bar - واژه بار در فارسی به معنای توده‌ای از اشیا برای حمل می‌باشد، در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی bar در محاوره به معنای هر چیزی که از حرکت و جا به جایی جلوگیری می‌کند می‌باشد.
- پار و part - واژه پار در فارسی به معنای تکه ای از هر چیز پاره شده می‌باشد، در حالی که کلمه هم ریشه آن یعنی part قسمت کاملی از هر چیز می‌باشد.

۲- چند معنایی و نیمه ریشه‌ای‌های غلط

مسئله‌ای را که باید بدان اشاره نمود، وجود واژه‌های موسوم به *partial false cognates* می‌باشد که به طور کامل، هم ریشه‌ای غلط محسوب نمی‌شوند، چرا که بخشی از معنای این واژه‌ها در زبان مبدأ یا معنای آنها در زبان مقصد، همخوانی دارد. اما بخش دوم آنها چیز دیگری است. برای مثال، کلمه موزاییک *mosaic* در فارسی در معماری به کار می‌رود، اما در انگلیسی و یا فرانسه معانی دیگری چون: رنگارنگ - رنگ به رنگ *colored* و یا مواد گوناگون، تکه تکه به هم پیوستن *patchwork*، *pattern* می‌باشد البته کاربرد این کلمه در هنر فقط برای هنرمندان نقاش و برخی دیگر معنا دارد، اما عامه مردم از این بخش دیگر معنایی بی‌اطلاعتند. به مثال‌های دیگری توجه کنیم:

- کنگره *congress* - در فارسی، دارای دو پذیرش معنایی دنداندار *indented* و نیز همایش علمی می‌باشد اما در انگلیسی، معنای دوم رایج است. خود کلمه در اصل از زبان پارسی کهن یا اوستاست.
- البته کلمه‌ی همایش، معنای ضعیف‌تری نسبت به کنگره دارد.

□ رژیم **regime** – بر گرفته از زبان فرانسه و پذیرفته شده در بیشتر زبان‌ها می‌باشد. در فارسی همچون فرانسه، دارای دو پذیرش معنایی یکی در مورد نوع حکومت و دیگری در مورد پرهیز غذایی است. اما در انگلیسی تا آن جایی که به مواد غذایی و پرهیز آنها مربوط می‌شود، از کلمه **diet** استفاده می‌شود.

پرهیز غذایی داشتن، در زبان انگلیسی **be on diet** و در فرانسه **être au régime** است.

□ پاس کردن **pass an exam** – برابر قبول شدن در آزمون، هم در فارسی و هم در انگلیسی. اما در فرانسه، فقط به معنای امتحان دادن یعنی **passer un examen** می‌باشد.

۳- شبه هم ریشه‌های غلط آوایی

در این بخش از پژوهش، از تلقی کردن برخی کلمات تجاری که از زبان‌های دیگری چون آلمانی و فرانسوی و نیز انگلیسی که وارد فارسی شده‌اند، به عنوان هم ریشه‌های غلط خودداری نموده و آن‌ها را شبه هم‌ریشه‌های غلط و یا **Pseudo false cognates** به اختیار خود برای اولین بار نام‌گذاری نموده‌ایم، لازم به تذکر است که این مفهوم (**concept**) تا به حال در پژوهش‌های زبان‌های اروپایی به نظر ما نرسیده است.

□ شامپو بس – بس، معنای کافی یعنی **enough** ندارد و در معنای **bath** یعنی حمام به کار می‌رود. به همین منوال، کلمه **coffee** در معنای قهوه محصول بیزانتین به کار می‌رود و نه اندازه یا کافی بودن.

□ پیراهن بوس – کلمه دوم ربطی به بوسیدن نداشته بلکه با **boss** یعنی رئیس، هم معناست که مارک پوشاک خارجی است.

- بیمکث - هیچ مکث و سکوتی در این کلمه یافت نمی‌شود بلکه آوانگاری شده‌ی کلمه‌ی **bimax** که نوعی هود می‌باشد.
- پیر کاردان - فرآیند تغییر آوایی کلمه‌ی **Pierre Cardin** (مارک پوشاک فرانسوی) برای همخوانی با سیستم آوایی فارسی است.
- بیم - آوانگاری شده‌ی کلمه‌ی **Beem** مارک تجاری آلمانی برای لوازم خانگی می‌باشد و ربطی به ترس و هراس ندارد.
- نان لب - لب، آوانگاری شده‌ی کلمه‌ی **lab** مخفف **laboratory** یعنی آزمایشگاه می‌باشد یعنی نان از تنور سنتی بیرون نیامده است.
- گروهه - آوانگاری شده‌ی کلمه‌ی **Grouhe** آلمانی می‌باشد که مربوط به لوازم و ابزار تأسیساتی‌ها می‌باشد.

افزون بر این، مثال‌های دیگری را می‌توان یافت که تجاری نیستند بلکه در کلام عوام به خاطر تلفظ غلط آن‌ها که می‌توان آن را از نظر زبان‌شناسی، تصادف آوایی **phonetic accidents** در مورد شبه هم‌ریشه‌ای غلط نامید. مثلاً شخصی که مبتلا به بیماری پارکینسون **parkinson** است، بیماری خود را پارکینگ سون می‌نامد و شخص دیگری که کاتالوگ **catalog** لباس از فروشگاه‌ی دریافت می‌کند، می‌گوید: کاتولیک لباس‌ها را دریافت نموده است. در حالی که کاتولیک در زبان یونانی به معنی جهانی یعنی **universal** است. البته نه به صرف خارجی بودن کلمات، بلکه در فارسی هم گاهی عوام، زیتون پرورده را زیتون پرونده و آب ژاول **eau de javel** یا **whitex** را آب جابر نام می‌نهند. برخی هم می‌پندارند که هواپیمای **bimotoré** موتور ندارد و پیشوند **bi -** را بدون ترجمه می‌کنند.

۴- نقش زبان‌شناسی تاریخی در بررسی هم‌ریشه‌های غلط
از دیدگاه زبان‌شناسی، می‌توان اشاره‌ی مستقیم به تفکیک هم‌ریشه‌های غلط از هم‌ریشه‌های درست یعنی *false cognates* از *genuine cognates* ها داشت. مسلماً تفکیک، نشانگر تغییر یعنی *change* است و این در واقع، همان چیزی است که زبان‌شناسی تاریخی به دنبال آن می‌گردد. البته تغییرات را در پرتو مطالعات تطبیقی می‌بایست جستجو نمود و جستجوگر، همواره معناشناسی را به عنوان سنگ محک در نظر می‌گیرد. فرآیند مطالعات زبان‌شناسی تاریخی، راه را برای نگاشتن واژه‌نامه‌های دو زبانه و یا حتی تک زبانه فراهم می‌سازد.
از نظر آموزشی، می‌توان به تدریس هم‌ریشه‌های غلط میان زبان‌های گوناگون، هم‌از دیدگاه زبان‌شناسی و هم غیر زبان‌شناسی اشاره نمود.

کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ):

تاکنون منبعی که حاکی از مطالعه مفاهیم هم ریشه‌ای‌های غلط باشد، بین فارسی و انگلیسی وجود نیامده، از این رو لازم دیدیم از منابع خارجی که راهگشای ما در این امر بودند، نام ببریم. شایان ذکر است که این منابع، مفاهیم مورد نظر را فقط در سطح لغت مورد مطالعه قرار داده‌اند و به عبارت نرسیده‌اند. در بررسی خود در این مقاله، سعی نموده‌ایم که از مرز لغت فراتر رفته و عبارت را هم مورد توجه خود قرار دهیم. اصالت مثال‌ها در این پژوهش و در واقع به روز بودن آنها بیانگر نوگرایی این مقاله می‌باشد.

Amid, H.(1984). *Amid Farsi dictionary*. Tehran: Amirkabir Publicatrions Company.

Beryl, T. A. & Alain, D. *et al.* (2007). *Robert & Collins dictionnaire français – anglais anglais – français*. Paris: Dictionnaires Le Robert.

Crystal, D. (1997). *The Cambridge encyclopedia of language*. Cambridge university press.

Filippo, H. (2007). *German false friends glossary*. Archives: File: //G:\Web\Falsche Freunde htm.

Larson, M. L. (1984). *Meaning-based translation*. N.Y: University Press of America. PP183-184.

Lawless, L. K. (2007). *False cognates*. Archives: File: //G:\Web\False cognate – Wikipedia. htm.

Schnorr, V. & Nicol, U. *et al.*(2007). *Collins German dictionary. German English English – German*. New York: The Harper Collins.

Simon &Schuster (2007). *Webster's new world dictionary*. New York: Simon&Schuster Publication Company.

_____.(2007). *Faux amis – French false cognates*. Archives: File: //G:\Web\blfauxam. htm.

_____.(2007). *Faux amis – Liste alphabétique* Archives: File: //G:\Web\blfauxam a.htm.